



گردهمایی مربوط به وضعیت زندگی دختر بچه‌ها در جنوب شرقی آسیا در سپتامبر ۱۹۸۸ در دهلی نو برگزار شد. مطلب زیر خلاصه‌ای است از گزارشی که بر طبق مدارک تهیه شده برای این گردهمایی، در مورد دختر بچه‌های جنوب شرقی آسیا گردآوری شده است. لازم به تذکر است که اطلاعات مذکور به هیچ عنوان کامل نیستند. شواهدی در دست است که نشان می‌دهد در کشورهای آسیای جنوب شرقی میان کودکان دختر و پسر تبعیض وجود دارد. میزان این تبعیض به نسبت کشورهای مختلف متفاوت است و در سری لانکا و جزایر مالدیو به حداقل می‌رسد. در اغلب این کشورها پسرها برتر محسوب می‌شوند. تولد یک پسر را با شادی جشن می‌گیرند در حالی که تولد یک دختر فضای غم‌زده و ناراحتی ایجاد می‌کند. گاهی تولد اولین دختر را به دلیل آنکه ممکن است شگون داشته باشد و به دنبال خود پسری بیاورد، بد شگون نمی‌دانند. به هر حال وجود او را برای پرستاری از بچه بعد، که امیدوارند پسر باشد، مفید می‌دانند. در هند نسبت جمعیت به سود زنان نیست. زنها ۴۸/۳ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند که در مقابل ۵۷/۷ درصد مردان، در اقلیت قرار دارند. تا سن ۳۵ سالگی و به ویژه در سنین صفر تا چهار سالگی، درصد مرگ و میر جنس مؤنث بسیار بالاتر از جنس مذکر است. آمارهای موجود با صراحت نشان می‌دهد که طول عمر متوسط در هندوستان برای زنان ۵۴/۷ سال و برای مردان ۵۴/۱ سال است در حالی که هنگام تولد، طول عمر نوزادان پسر را طولانی‌تر پیش‌بینی می‌کنند. با آنکه در سال ۱۸۷۰، دخترکشی قانوناً ممنوع اعلام شد. پیشرفتهای بعدی علمی موجب شد که با تشخیص جنسیت در طول دوران حاملگی، سقط جنین نوزادان دختر از سر گرفته شود. این عمل ظرف ده سال گذشته موجب کاهش چشمگیر تعداد جمعیت جنس

مؤنث شد. دولت «ماهاراشترا» تشخیص جنسیت جنین را، جز در موارد ضروری پزشکی، ممنوع اعلام کرد. با این همه دخترکشی همچنان ادامه دارد و گزارش می‌شود. درصد مرگ و میر نوزادان دختر، نسبت به نوزادان پسر - به جز در هفته یا ماه اول تولد - بسیار بالاتر است و تحقیقات فراوانی در این زمینه انجام شده است. هر چند تفاوت‌های طبقاتی در شهرها به تدریج کاهش می‌یابد، بالا بودن درصد تلفات نوزادان دختر در شهر و روستا، تقریباً به یک اندازه است.

گزارش‌های بیمارستانها و تحقیقات دقیق انجام شده حاکی از آن است که اطفال دختر نسبت به پسرها، از تغذیه نامناسب‌تری برخوردارند. این تفاوت تغذیه حتی در اقشار بالای جامعه نیز به چشم می‌خورد. تحقیقاتی که اخیراً در پنجاب انجام گرفته است نشان می‌دهد که ۲۴ درصد کودکان دختر در خانواده‌های ممتاز جامعه، دچار سوءتغذیه هستند که این رقم در خانواده‌های تهیدست به ۷۴ درصد می‌رسد. در مورد کودکان پسر، این ارقام به ترتیب ۱۴ و ۶۷ درصد است. دوران شیردادن نوزاد از سینه مادر برای دختران کوتاهتر از پسران است و در مورد تغذیه با غذاهای پرانرژی مانند شیر، کره، تخم‌مرغ و میوه، کودکان دختر مورد تبعیض قرار می‌گیرند. سوءتغذیه دختران ترسیم دایره شومی را آغاز می‌کند که از کودکی به بزرگسالی و آن گاه به نسل بعد کشیده می‌شود. در مورد مراقبت از سلامت زنها نیز تبعیض وجود دارد. گزارش‌های بیمارستانها و درمانگاهها، بدون استثنا مؤید ارجحیت پسران نسبت به دختران است. هر چند ظرف چند دهه اخیر، درصد بیسوادی به نحو چشمگیری کاهش یافته است، هنوز میان سودآموزی دختران و پسران تفاوت بسیار است. در سال ۱۹۸۱ در مقابل ۴۶/۹ درصد سودآموزی مردان، ۲۴/۸ درصد سودآموزی زنان وجود داشت. در روستاها

به نسبت ۴۱ درصد مردان باسواد، تنها ۱۸ درصد از زنان باسوادند. این ارقام در مناطق شهری به ۴۸ و ۶۶ درصد می‌رسند. برآورد دانش‌آموزان کل کشور باز هم تفاوت فاحشی را میان دانش‌آموزان دختر و پسر نشان می‌دهد. به عنوان مثال در گروه دانش‌آموزان ۱۱-۱۴ ساله روستایی ۳۰/۱۲ درصد دختر و ۵۹/۵۲ درصد پسر هستند. در سالهای ۸۴-۱۹۸۵، ثبت‌نام دختران در دبیرستانها به ۴۹/۳۷ درصد رسید.

در سری لانکا، شاخص طول عمر در وضعیت مناسب جسمی برای زنها به ۷۸/۱ در صد و برای مردان به ۷۹/۷ درصد می‌رسد. در زمینه امکانات آموزشی و بهداشتی، دستیابی به خدمات مناسب موجب کاهش نابرابریهای جنسی و اجتماعی اقتصادی، شده است. چنانچه پیش از این گفته شد، سری لانکا از کشورهایی است که تبعیضات جنسی در آن به حداقل رسیده است. این تفاوتها در زمینه‌های آموزشی و بهداشتی چندان چشمگیر نیستند و تنها هنگامی که زمان استخدام و آغاز به کار فرا می‌رسد، نمایان می‌شوند و شغل‌های پست‌تر به زنان واگذار می‌شود. برنامه درسی مدارس، کلیشه‌های نقش جنسی را تأیید می‌کنند و این تأیید در پرورش کودکان نقش تعیین‌کننده دارد و بر شرایط استخدام نیز تأثیر می‌گذارد. بیشترین تبعیضات در مدارس حرفه‌ای به چشم می‌خورد. کمبود حضور دختران در مدارس فنی و بازرگانی که بعدها موجب استخدام در پستهای مدیریت است، به طور جدی احساس می‌شود. دختران در بازار کار به دلیل نابرابری جنسی در دستیابی به تعلیمات حرفه‌ای، از مهارت‌های اندکی برخوردارند. میزان بیکاری زنان، از سالهای ۱۹۷۰ تاکنون، نسبت به مردان دوبرابر شده است.

مالدیو کشوری است متشکل از گروهی جزایر دورافتاده، با جمعیتی اندک. بیش از یک چهارم جمعیت کشور در پایتخت - مال

# دختر بچه‌های بدشگون!

شانتی گُوش  
ترجمه الهام صادقی

ازدواج و حاملگی در سنین پایین و تعدد وضع حمل است. ۱۵-۲۰ درصد ازدواجها به طلاق ختم می‌شود.

در نپال درصد جمعیت زنان نسبت به کل جمعیت از ۴۹ درصد در سال ۱۹۷۱ به ۴۸ درصد ارسال ۱۹۸۱ رسیده است. طبق سرشماری عمومی نسبت جمعیت زنان در این ۱۰ سال از ۴۹/۶۶ درصد به ۴۸/۷۸ درصد کاهش یافته است. در زمینه‌های مذهبی - اجتماعی و اجتماعی - اقتصادی تعصباتی به سود جنس مذکور وجود دارد. دخترها و پسرها هر دو به اقتصاد خانه کمک می‌کنند اما دختران بار بیشتری به دوش می‌کشند. یک دختر در سن نه یا ۱۰ سالگی از تمام کارهای خانه سررشته دارد. برای او کودک‌کشی‌ای در خور این نام وجود ندارد.

- و باقی در گروهی جزایر پراکنده به نام «آتول»ها زندگی می‌کنند. نوزاد دختر به اندازه نوزاد پسر از مراقبت و محبت پدر و مادر برخوردار می‌شود. دختر و پسر هر دو از شرایط آموزشی یکسان بهره‌مندند و برای دستیابی به تحصیلات عالی هیچ‌گونه تبعیض جنسی وجود ندارد. در آتولها فرصت تحصیل در سن ۱۵ سالگی پایان می‌یابد و پس از آن در حالی که پسران می‌توانند به راحتی کار پیدا کنند، برای دخترها فرصتهای کاری ناچیزی وجود دارد. دختران معمولاً در سنین ۱۵ الی ۱۶ سالگی ازدواج می‌کنند. به این ترتیب در سنین پایین باردار می‌شوند و مشکلات بچه‌داری نیز، بسیار زود از راه می‌رسد. مشکل دختر بچه‌های مالدیو، مرگ و میر یا تبعیضات جنسی نیست. بلکه مشکلات

سوء تغذیه دختران ترسیم دایره شومی را آغاز می‌کند که از کودکی به بزرگسالی و آن گاه به نسل بعد کشیده می‌شود.



در بسیاری از کشورها، پسرها بهتر از دخترها تغذیه می‌شوند. این کودکان دوفلو هستند، کودک سمت چپ دختر و کودک سمت راست پسر است!

نقشهای جنسی در سنین پایین شکل می‌گیرند. پسرها کارهای مردانه را به عهده می‌گیرند و دخترها به خانه‌داری مشغول می‌شوند و در کارها و رفتارهایشان محدود هستند. در مناطق کوهستانی، از آزادی بیشتری برخوردارند. اغلب دختران پیش از سن قانونی ازدواج - یعنی ۱۶ سالگی - ازدواج می‌کنند. بارداری و بچه‌داری از زمانی آغاز می‌شود که مادر، خود یک بچه است. دختر بچه را طوری بار می‌آورند که بتواند به سهولت در نقش مادر و همسری که از خود هیچ هویتی ندارد، جا بیفتد.

طول عمر مردان ۵۲ سال و زنان ۵۰ سال پیش‌بینی می‌شود. مرگ و میر در میان نوزادان دختر بیش از نوزادان پسر است. نسبت مرگ و میر میان نوزادان دختر ۱۵۰ درصد و در میان نوزادان پسر ۱۴۴ درصد است. این نسبت میان اطفال دختر ۱۳۳ درصد و اطفال پسر ۱۲۸ درصد است. (آمار مذکور در گزارش مربوط به کودکان، یونیسف، ۱۹۸۸ نقل شده است.) در خانواده، میان تغذیه دختر و پسر چه از نظر کمی و چه کیفی، تبعیض وجود دارد. سوءتغذیه نزد دختران بیشتر یافت می‌شود. خانواده برای مراقبت از پسر آمادگی بیشتری نشان می‌دهد. تا پیش از سالهای ۱۹۵۰ آموزش دختران غیر ضروری و ناخوشایند محسوب می‌شد. علی‌رغم بالا رفتن درک عمومی، پاسخ جامعه به آموزش دختران همچنان توأم با بی‌اشتیاقی است. دختران عامل اقتصادی محسوب نمی‌شوند و به این ترتیب تحصیلاتشان غیر ضروری به شمار می‌رود، درصد استخدامشان نازل و درصد اخراجشان بالاست. نسبت ثبت‌نام در مدارس ابتدایی ۴۴ دختر در مقابل ۸۰ پسر است. در آمارهای گرفته شده در سالهای ۱۹۸۳ - ۱۹۸۶ نسبت میان دختران و پسران مدارس ابتدایی ۵۱ پسر در مقابل ۲۹ دختر و دبیرستانها ۵۱ و ۱۹ است.

درصد باسوادی زنان از ۰/۷ درصد در سالهای ۱۹۵۲ - ۱۹۵۴ به ۱۵ درصد در سال ۱۹۸۶ افزایش یافته است، ضمن آنکه تفاوت‌های میان دو جنس نیز در این زمینه بالا رفته است. در سال ۱۹۸۱ تفاوت میان زنان و

مردان باسواد ۲۳/۵ درصد بوده که این رقم در سال ۱۹۸۶ به ۳۰ درصد افزایش یافته است. در سال ۱۹۸۶ میزان باسوادی مردان ۴۵ درصد بود، در حالی که این میزان برای زنان تنها ۱۵ درصد بود. (وزارت آموزش و فرهنگ نپال).

امروزه برنامه‌های آموزش خاصی برای دختران وجود دارد. این برنامه‌ها در سال ۱۹۷۱ طرح‌ریزی و در سال ۱۹۸۸ برای ده سال دیگر تمدید شد. طبق این پروژه دختران روستاهای دورافتاده را برای معلمی مدارس ابتدایی آموزش می‌دهند، به این امید که ثبت‌نام دختران را در این مدارس ترغیب کنند. آموزش برای توسعه روستاها به کمک طرح توسعه سازمان ملل متحد UNDP یونسکو و یونیسف، طرح‌ریزی شده است. این پروژه در مناطق غربی به مرحله عمل درآمده است. برنامه چلی‌بتی، برنامه تحصیلات غیررسمی برای دختران شش تا دوازده ساله است. خدمات کمیته هماهنگی زنان و سازمان زنان روستایی فعالانه در امر سوادآموزی زنان همکاری می‌کنند.

شرایط در پاکستان نیز به سود زنان نیست. والدین اغلب آرزو دارند فرزند اولشان پسر باشد. تولد دختران معمولاً مورد استقبال قرار نمی‌گیرد. اما هنگامی که متولد شدند، مورد محبت و مراقبت قرار می‌گیرند. دختران و زنان، طبق سنت‌های دیرینه و وظایف خانه‌داری را توأم با شراکی محدود در امور اقتصادی، به عهده می‌گیرند. در خانواده‌هایی که از نظر اجتماعی، اقتصادی در سطح پایین قرار دارند، نوزاد دختر از سوءتغذیه رنج می‌برد.

در زمینه آموزش نیز تبعیض وجود دارد. دختران بزرگتر باید مراقبت از خواهرها و برادرهایشان را به عهده بگیرند. به این دلیل عموماً از دختران انتظار می‌رود در خانه بمانند و برای ایشان فرصت حضور در اجتماع بسیار محدود است. دختران خودآگاهی ندارند و فاقد اعتماد به نفس و امنیت هستند.

بروز علایم بلوغ دختران توأم با تهایی و انزواست. درصد باسوادی زنان در سال ۱۹۸۱ در مقایسه با مردان ۱۶ درصد در مقابل

۳۵ درصد است. این رقم در مورد ثبت‌نام دو جنس به ۴۶ درصد در مقابل ۸۰ درصد می‌رسد. طبق آمار تحصیلات در پاکستان در سال ۱۹۸۶، نسبت شرکت دختران (سنین میان ۱۵ - ۱۹ سالگی) در سطح دبیرستانها و دانشگاهها، در سال تحصیلی ۱۹۸۵ - ۱۹۸۶ سه درصد، و در مقابل ۵/۶ درصد پسران است. شرکت دانشجویان دختر در مدارس حرفه‌ای ۰/۲ درصد در مقابل ۱۰ درصد پسران است. در جامعه «پاتان»ها (قومی از افغانستان) زنان را به راحتی از جریان زندگی حذف کرده‌اند. همین که انسانی، دختر متولد شود؛ سختگیری و انزوا را در نخستین سالهای زندگی تجربه می‌کند. گزارشهای بیمارستانها نشان می‌دهد که تعداد کمی کودک دختر را جهت مداوا به بیمارستان می‌آورند.

آمار جمعیت در کشور بوتان تعداد افراد مذکر را بیش از افراد مؤنث نشان می‌دهد، اما به جز مناطق جنوبی، تفاوتی میان نوزادان دختر و پسر وجود ندارد. به دلیل وجود سیستم مادرسالاری، وضعیت دختران از نظر ازدواج و تصمیم‌گیری خوب است. آمار تحصیلی، ثبت‌نام کمتر و مردودی بیشتر دختران را نشان می‌دهد. ثبت نام دختران ۳۶ درصد در مقابل ۶۴ درصد پسران است. ۷۵ درصد این تعداد دانش‌آموز دختر مردود یا اخراج می‌شوند که ارتباط مستقیمی با کمتر شدن شانس استخدام برای دختران و بیشتر شدن اشتغال آنها به امور خانه‌داری و نگهداری از بچه‌های کوچکتر، دارد. جهیزیه و مهریه‌ای درکار نیست. ازدواج به انتخاب دختر است و در صورت طلاق یا ازدواج مجدد، رسوایی به بار نخواهد آمد.

طبق ارزشهای سنتی بنگلادش، نقش اصلی یک زن در خانواده ایفا می‌شود. از مردان انتظار می‌رود نان‌آور خانه باشند. زنان به دلیل نقش تولیدی بی‌مزد و بی‌هویتی که دارند؛ سلامت، تغذیه و تحصیلاتشان از اولویت کمتری برخوردار است.

تर्फ سالهای ۱۹۷۴ - ۱۹۸۱ درصد باسوادی زنان از ۱۳ به ۱۸ درصد افزایش یافت، در همین زمان میزان باسوادی مردان ۴۰ درصد بود. در مجموع درصد باسوادی

گزارشهای بیمارستانها در پاکستان نشان می‌دهد که تعداد کمی

کودک دختر را جهت مداوا به بیمارستان می‌آورند.

زنان نصف درصد باسوادی مردان است. تنها یک سوم از افراد تحصیل کرده در کالجها را دختران تشکیل می‌دهند. در حالی که مرگ و میر نوزادان پسر بیش از نوزادان دختر است (۱۱۳ پسر در مقابل ۱۰۵ دختر) درصد تلفات در سنین یک تا چهار سالگی نسبت عکس دارد. از هر هزار کودک ۱۶ دختر در مقابل ۱۳ پسر تلف می‌شوند. سوءتغذیه حاد و مزمن در مورد دخترها بیشتر به چشم می‌خورد. شیوع عقب‌ماندگی رشد ذهنی و جسمی (۵۹/۱ درصد) در کودکان دختر روستایی دیده می‌شود.

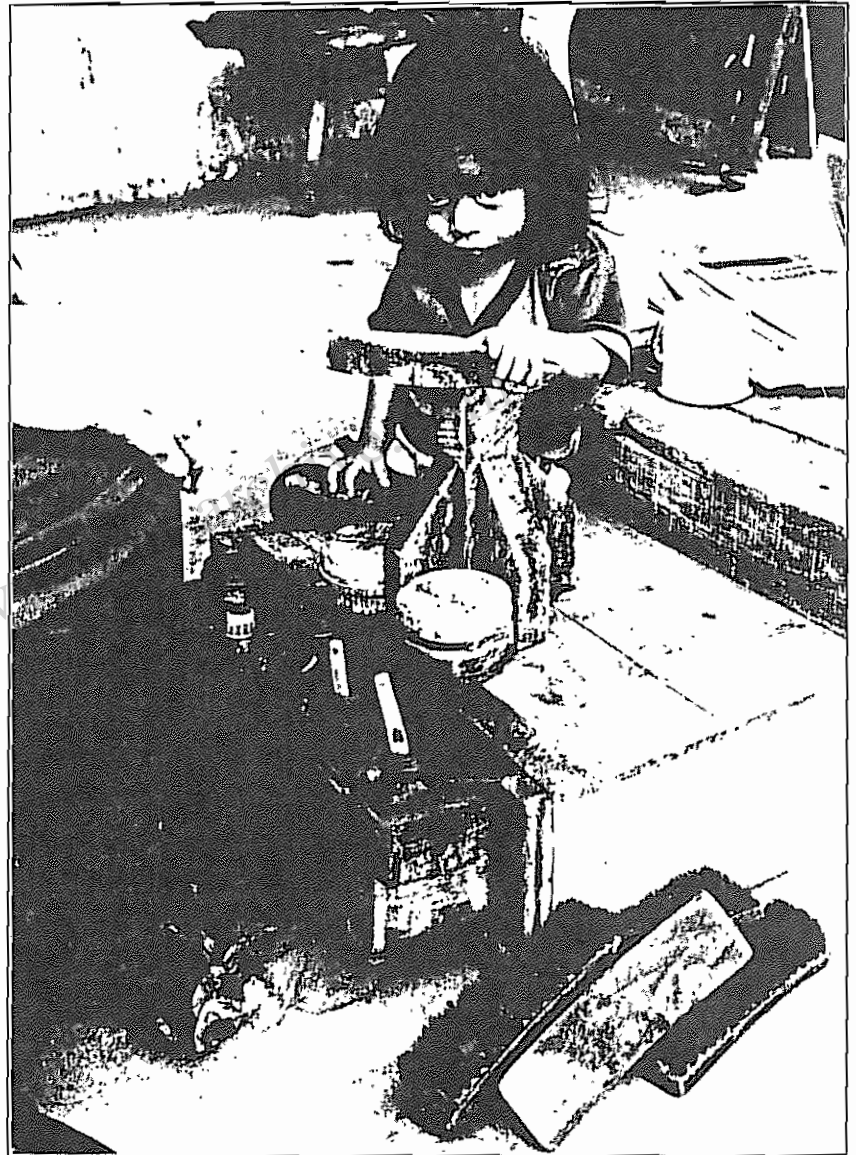
گزارشهای مربوط به کالری دریافتی در تغذیه روزانه، در دو دوره تحقیقاتی ۱۹۷۵ - ۱۹۷۶ و ۱۹۸۱ - ۱۹۸۲ در دست است. در حالی که مردان بزرگسال مقدار کالری وعده‌های غذایی خود را افزایش داده‌اند، زنان بزرگسال کالری کمتری دریافت می‌کنند. آمارهای سرشماری، عموماً مشارکت نیروی کار زنان را کمتر از آنچه هست، نشان می‌دهند. دختران، به ویژه در مناطق روستایی، بسیار زود ازدواج می‌کنند. متوسط سن ازدواج ۱۶ سال است. درخواست مهریه اخیراً باب شده است و

مشکل این است که علی‌رغم مصوبه منع مهریه و جهیزیه، هر دو به سرعت افزایش می‌یابند.

#### کار کودکان

مسئله کار کودکان در بسیاری از کشورها بحرانی است و شرایط کار برای دخترچه‌ها بسیار مشکلتر از پسرهاست. در شهر «سیواکاشی» در ایالات تامیل نادوی هند، ۹۰ درصد از ۴۵ هزار دختری که در کارخانه کبریت‌سازی کار می‌کنند، زیر ۴۱ سال هستند. تعداد کثیری از دختران خردسال در صنایع الیاف نارگیل در «کراالا»، بخور و عودسازی، صنایع «بیدی»، صنایع جلای جواهرات در «چیپور»، صنایع برنز در «اوتارپرادش»، صنایع قالببافی و غیره، کار می‌کنند. به محض اینکه صنعتی ماشینی می‌شود، فوراً پسرها ارجحیت پیدا می‌کنند. دخترها را یا اخراج می‌کنند و یا به قسمتهای غیرتخصصی‌تر منتقل می‌کنند تا به کارهایی بپردازند که نه مستلزم داشتن مهارت است و نه ار تقابلی به دنبال دارد. دختران دستمزدهای ناچیز دریافت می‌کنند و گاهی هم هیچ مزدی نمی‌گیرند. در روستاهای هند، دختران ۱۰ ساعت در روز و به طور متوسط ۳۱۵ روز در سال کار می‌کنند و این مقدار کاری است که خانواده ناچار است در ازای انجام آن، حداقل دستمزدی معادل ۲۲۰۰ روپیه درماه به یک کارگر بپردازد. دختر در همان اوان کودکی کمک اقتصادی معادل ۳۹/۶۰۰ روپیه، به خانواده می‌کند، در حالی که با غذایی بسیار کمتر از حد لازم، سدجوع می‌کند و با تعصب و تبعیض دست و پنجه نرم می‌کند.

در کشورهای سری‌لانکا (در مزارع چای) نپال و بنگلادش شواهد بسیاری دال بر شرایط نامساعد کاری برای کودکان و به ویژه دختران در دست است. لیکن آمار و گزارشات و اطلاعات رسمی در این زمینه واصل نشده است. در مجموع، شرایط زندگی دخترچه‌ها در کشورهای جنوب شرقی آسیا بسیار دور از حد رضایتبخش است و این معضلی است که هر چه زودتر دولتها باید به حل آن بپردازند.



شواهد زیادی دال بر شرایط نامساعد کاری کودکان، به ویژه دخترچه‌ها، در کشورهای جنوب شرقی آسیا وجود دارد.

# این بزرگترهای جنگ افروز!

به نقل از گزارشات ۱۹۹۲ سازمان یونسف  
ترجمه زهرا کمالی



کودک بی سرپرست شده‌اند. کشتار این معصومین هنوز در بیش از ۴۰ جنگ درگیر در سراسر جهان همچنان ادامه دارد.

فروریختن آوار جنگ بر سر اطفال، پدیده قرن بیستم است. در جنگ اول جهانی، تنها پنج درصد افراد غیرنظامی با جنگ دست به گریبان بودند. در جنگ دوم جهانی این رقم به ۵۰ درصد رسید و در اواخر قرن حاضر، به طور طبیعی ۸۰ درصد از افراد غیرنظامی در معرض آسیبهای جنگ خواهند بود که اغلب آنها را زنها و بچه‌ها تشکیل

حمایت از رشد ذهنی و جسمی کودکان باید در آبادانی و در قحطسالی، در پیشرفت و در رکود، در صلح و در جنگ، از جمله اولویتهای جوامع باشد. طی ده سال گذشته، بیش از یک میلیون و نیم کودک در جنگ کشته شدند. بیش از چهار میلیون کودک در اثر جنگ دچار معلولیت جسمانی شدند و در اثر بمباران، مین‌گذاری، اصابت گلوله و شکنجه، دست و پای خود را از دست دادند، دچار ضایعه مغزی شدند، بینایی و شنوایشان را از دست دادند. پنج میلیون کودک، به سبب جنگ، در اردوگاههای پناهندگان به سر می‌برند و بیش از ۱۲ میلیون

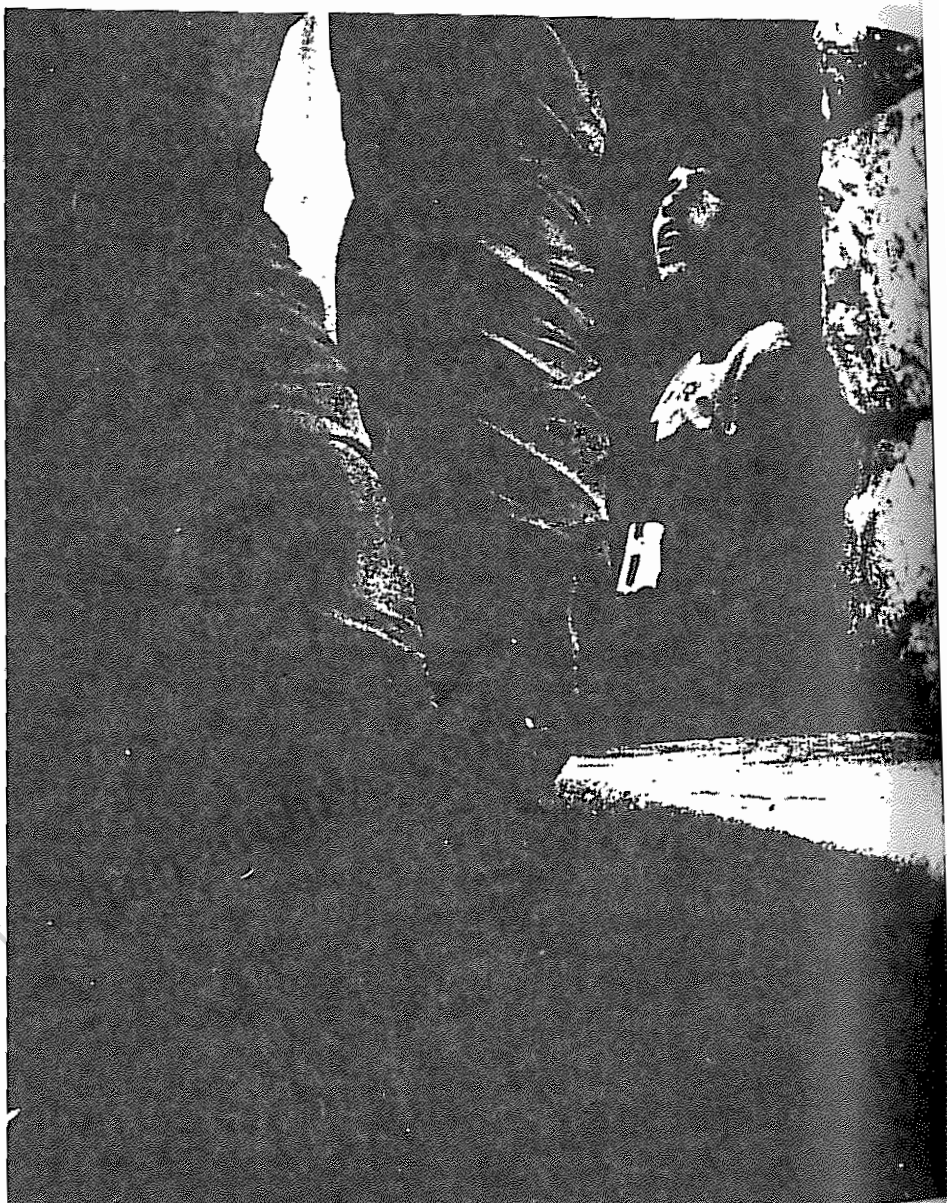


بسازند.

زمان آن رسیده است که جوامع جهانی بر علیه ستمی که بر اثر جنگ شامل حال کودکان می‌شود، قد علم کنند، بر علیه آنها که اسلحه می‌سازند و آنها که اسلحه‌ها را به کار می‌گیرند. اگر درگیری جنگ در برخی موارد ضروری باشد، حداقل باید کودکان را از اثرات آن محفوظ نگاه داشت.

هم‌اکنون نشانه‌های امیدوارکننده‌ای به چشم می‌خورد. با خاتمه جنگ سرد، ظاهراً باید درگیریهای نظامی هم کاهش یابد. فراخوان برای حمایت از کودکان، به ویژه محافظت از نیازهای اساسی آنان «حتی در شرایط جنگ در مناطق بحرانی» در شرف انجام است. منشور حقوق کودکان که به ویژه خواستار تأکید در رفع نیازهای اولیه آنان شده است - حتی در زمان جنگ و در مناطق درگیر خشونت - جهانیان را فرا خوانده است. هم‌اکنون، ۱۰۰ کشور، مصوبه جدید منشور حقوق کودکان را که به ویژه «کلیه اقدامات ممکن جهت تضمین محافظت و توجه از کودکانی که در معرض اثرات درگیریهای مسلحانه هستند» را خواستار است، تصویب کرده‌اند.

برخی از کشورها این ضوابط را به مرحله عمل رسانیده‌اند. در السالوادور هفت سال است که هر ساله جنگهای داخلی در سه روز جداگانه به حالت تعلیق در می‌آید، تا بتوانند ظرف آن سه روز، کودکان را به محلهای امن برسانند. در لبنان برقراری «روزهای آرامش» مهلتی فراهم کرد تا در بدترین شرایط بحران، واکسیناسیون کودکان انجام شود. در سودان، سرانجام هر دو طرف درگیر موافقت کردند که «گذرگاههای صلح» ایجاد شود تا از طریق آن بتوانند مایحتاج میلیونها غیرنظامی و عمدتاً زنان و کودکان محصورشده در مناطق جنگی را به دستشان برسانند. توافقهایی مشابهی نیز در آنگولا و اتیوپی انجام شده است. اگر قرار باشد چنین نمونه‌هایی از مرحله موارد استثنایی، به قوانین عام بدل شوند، افکار عمومی جهان باید در مقابل «اثرات جنگ بر کودکان» موضع جدی اتخاذ کند و اجازه ندهد لکه سیاهی که بر چهره قرن بیستم پدید آمده است، بر چهره قرن بیست‌ویکم نیز بنشیند.



موزامبیک به عمل آمد، ۴۲ نفر پدر یا مادر خود را در درگیریهای خشونت‌آمیز از دست داده بودند، ۱۱ نفر مرگ یکی از والدین خود را به چشم دیده و یا شنیده بودند، ۲۹ نفر شاهد جنایت بودند، ۱۶ نفر ربوده شده بودند، و همگی بدون استثنا مورد تهدید و ضرب و شتم یا گرسنگی قرار گرفته بودند. تخمین زده می‌شود که مجموعاً ۱۰ میلیون کودک در سراسر جهان بر اثر جنگهای داخلی و یا جهانی دچار صدمات روانی شده‌اند. این میلیونها کودکی که بزرگترها از نظر روانی و جسمی به آنها آسیب رسانده‌اند، بخشی از همان نسلی هستند که باید فردا را

می‌دهند. آثار مستقیم جنگ عمدتاً ویرانیهاست. مدارس و درمانگاهها تعطیل و یا ویران می‌شوند. خط تولید مواد غذایی قطع می‌شود. خطوط لوله آب قطع می‌شود. میلیونها نفر روانه اردوگاه پناهندگان می‌شوند و همواره سنگینترین بار بر دوش کودکان است، کودکانی که تنها شانس رشد طبیعی و ذهنی و جسمی خود را برای تحصیل و کسب مهارت جهت راهیابی به جامعه، از دست می‌دهند. جراحات روانی به چشم نمی‌آیند. در تحقیقی که در مورد ۵۰ کودک منتقل شده از

# خبر

## زنانه و محیط زیست، جدایی ناپذیرند

خانم شارون کیلینگ الکیجا، مدیر اجرایی یونینفیم در روزنامه تایمز ویژه کنفرانس زمین، نظرات خود را درباره «دستور جلسه ۲۱» اعلام کرد.

وی که مدیر اجرایی یونینفیم است، اظهار داشت: «دستور جلسه ۲۱ در صورتی می‌تواند دستور کار عملی مؤثری شود که زنانه نقش مهمی در آن ایفا کنند».

به عنوان مسئول بخش زنانه در سازمان ملل متحد، وظیفه یونینفیم می‌دانم که مسائل مربوط به زنانه را که در سراسر کشورهای در حال توسعه با فقر دست به گریبانند، به گوش همگان برساند و شکاف میان لفاظیها و قطعنامه‌ها از یک سو و ابتکارات و دستاوردها را از سوی دیگر از میان بردارد. من، همچون زنانه دیگری که در جریان مذاکرات تدارک کنفرانس زمین قرار داشتند، نگران برنامه‌ریزی سالی و نهادهای دوره بعد از کنفرانس «محیط زیست و توسعه» هستم. آیا این فراخوان برای جذب همکاران جدید، زنانه را نیز شامل می‌شود یا زنانه بار دیگر در حاشیه قرار می‌گیرند؟ اگر ما در ایجاد همکاری جدیدی میان مردان و زنانه شکست بخوریم، آیا رؤیای ما برای نجات سیاره‌مان سرابی بیش نخواهد بود؟

آقای پتروس غتالی، دبیرکل سازمان ملل متحد، در بیانات رسمی‌اش به هنگام بازگشایی کنفرانس زمین به ما یادآوری کرد که این سیاره، خانه مشترک ماست، و اصطلاحات اکولوژی و اکونومی، که از یونان قدیم آمده‌اند و هر دو ریشه واحد معنایی دارند به منظور بیان مدیریت درست این خانه جهانی همگانی مشترک به کار گرفته

شده‌اند. اما مسئله این است که مدیران چه کسانی هستند؟

به تدریج روشن می‌شود که در بیشتر کشورها، زنانه مسئولیت‌های مدیریتی منابع طبیعی را به عهده دارند. آنان نگهبانان دانش بومی هستند و بارها در برابر بحرانهای زیست محیطی و اقتصادی و سیاسی توانایی مقاومت بالایی از خود نشان داده‌اند. و از نظر سیاسی نقش برجسته‌ای در جنبشهای زیست محیطی به عنوان دانشمندان، تکنسین، روزنامه‌نگار و مبارزان ایفا کرده‌اند و همواره از ایجاد دگرگونی حمایت کرده‌اند. آنها از طریق سازمانهای محلی و گروههای تبلیغاتی سیاسی‌شان، درک ما را نسبت به این که مسایل زیست محیطی به طور اجتناب ناپذیری با اهداف توسعه گره خورده است، وسعت بخشیده‌اند.

زنانه در تلاش بین‌المللی برای ثبت مسئله «محیط زیست و توسعه» در دستور کار جهانی نقش اساسی داشته‌اند. با این همه، آنها آشکارا در مراحل تصمیم‌گیری در کلیه سطوح غایب هستند. در حالی که وارد قرن بیست و یکم می‌شویم، رهبران در اقصی نقاط جهان کم‌کم متوجه می‌شوند که این شیوه برخورد با زنانه، بیهوده، ناعادلانه و غیرقابل تحمل است. زمان آن رسیده است که توافق کنیم این خانه مشترکمان را سه‌مان دهیم. این کار نه فقط هوشمندانه بلکه اخلاقی است.

از زنانه برای دگرگونی نهادهایی که اقتدار جهانی دارند دعوت به همکاری شده است. زنانه می‌خواهند که نقش کاملاً برابر با مردان در سازماندهی به این نهادها که نهایتاً همه ما را شکل می‌دهد، داشته باشند. برای میلیونها مردمی که در سراسر جهان نظاره‌گر ما هستند و روی دانش ما حساب می‌کنند،

روشن شده است که ما دیگر نمی‌توانیم به شیوه سابق با هم کار کنیم. برای توسعه پایدار و مؤثر، جریان اصلی باید به جریان بزرگتری تبدیل شود که نیروها، تجارب و خواسته‌های همه را دربر گیرد: شمال و جنوب، غنی و فقیر، زن و مرد.

فقط لحظاتی تصور کنید برای رودخانه‌ای - یک جریان اصلی - چه رخ می‌دهد اگر رودخانه دیگری با همان وسعت و قدرت به آن پیوندد. به احتمال زیاد تلاطم. سپس جریانی نو و قوی. بی شک رودخانه پهناتر و سرعت جریان آب نیز سریعتر می‌شود. اما یقیناً مسیر جریان آب تغییر خواهد کرد.

مردم آگاه، زمان آن فرارسیده است که مسیر خود را تغییر دهیم.

## برگزاری اجتماع جهانی زنان در ایرلند

دویلین - «یلا ایزوگ»، همراه چند تن دیگر از رهبران زنان، به کنفرانس «اجتماع جهانی زنان» پیوست. رهبران در این کنفرانس، در باره استراتژیها و تاکتیکهای خود برای دستیابی به حقوق زنان به بحث و تبادل نظر می‌پردازند.

خانم «ایزوگ»، سر خوش از کسب یک پیروزی دلگرم‌کننده در کنفرانس زمین در ریبو دو زانیرو، همچون همیشه سخن‌پرداز و مبارزه‌جو، وارد دویلین شد. وی پر آن بود که زنان جهان و به خصوص زنان ایرلندی را که در اروپا از حداقل آزادی برخوردارند به مبارزه تشویق کند.

به دلیل اهمیت روزافزون انتخاب «مری رایپسون» که نوزده ماه پیش به مقام نخستین رئیس جمهور زن ایرلند نائل آمد، این

کشور را برای برگزاری کنفرانس در نظر گرفتند. وی که اکنون از نظر قانون، حق شرکت در احزاب سیاسی را ندارد، به عنوان وکیل و عضو مجلس سنا، سابقه‌ای درخشان در زمینه حقوق بشر و حقوق زنان به دست آورده بود.

ایرلند اکنون درگیر مناظره ملی بر سر قانون سقط جنین است که در آنجا از محدودیتهای بیشتری نسبت به اغلب کشورهای غربی برخوردار است. این کشور هنوز قانونی در زمینه طلاق ندارد، درصد تولد نوزادان در حال کاهش است ولی هنوز در بین دوازده کشور جامعه اروپا بالاترین میزان را دارا است. تنها ۳۰ درصد از زنان متأهل ایرلندی کار می‌کنند که پایتیرین میزان در جامعه اروپا است.

خانم ایزوگ در مورد مشکلات زنان در جهان گفت: «باید در این زمینه اقداماتی جدی صورت پذیرد». وی همچنین گفت که صاحب‌منصبان مرد و سازمانهای خیری در مجمع سران «ریبو»، زنان و نظراتشان را نادیده گرفته‌اند.

سپس در مصاحبه‌ای اذعان کرد از اینکه پس از بیست و پنج سال مبارزه در کشورش، زنان تنها شش درصد از کرسیهای کنگره را - دو کرسی در مجلس سنا و ۲۸ کرسی در مجلس نمایندگان - به دست آورده‌اند بسیار ناراضی است. حتی پارلمان ایرلند با وجود ۱۳ نماینده زن در بین ۱۶۶ نماینده، از نسبت بالاتری برخوردار است.

خانم فریدن روز چهارشنبه در جلسه افتتاحیه کنفرانس گفت: «اینجا مسئله مبارزه زن در مقابل مرد نیست، ولی زنان در بسیاری از مسائل در موضع ضعف قرار دارند، مسائلی چون محیط زیست، سقط جنین و آزارهای جنسی.

حضور ایرلندی، اغلب با خشم

و درد، سخن گفتند. زنی گفت پزشکان به خاطر حفظ جنین زنان بارداری که مبتلا به سرطان هستند، از تجویز مسکن با شیمی‌درمانیشان خودداری می‌کنند. و آنان در رنج و عذاب جان می‌سپزند.

یک زن که می‌گفت در آفریقا کار می‌کند و یک برنامه امدادی برای تعبیه توالد را در جاهایی که آب یافت نمی‌شود، دیده است گفت: «ما باید در بانک جهانی نفوذ کنیم.» یک زن میانسال گفت که شوهر او مردی متمول بود ولی هنگامی که با شش فرزندش از او جدا شد، به خاطر قوانین ملی مالکیت در کشورش با فقر زندگی کرد و اکنون با نظافت خانه مردم، مخارج زندگی خود و فرزندان را تأمین می‌کند.

زن دیگری گفت: «مارگارت تاچر، نخست‌وزیر سابق انگلیس، تصویر زن را در مقام یک رهبر، مخدوش کرده است.» و افزود: «تاچر برای تقرا همان بود که هیتلر برای یهودیان، کاتولیکها و قبطیها.»

در کنفرانس، اعتراضاتی جنبی نیز مطرح شد. زنی گفت کنفرانس در هتلی مجلل برگزار شده است که زنان شاغل ایرلندی هرگز به آنجا نمی‌روند و بسیاری نمی‌توانند هزینه ورود به کنفرانس را بپردازند. برگزارکنندگان کنفرانس ابراز داشتند که ۱۰۰ صندوق رایگان برای این زنان در نظر گرفته شده و امکانات نگهداری از کودکان نیز مهیا بوده است.

«فرانسیز کیسلینگ»، یکی از سخنرانان میهمان و رهبر گروه «کاتولیکهای مبارز برای انتخاب آزاد»، با اصرار از زنان خواست که کلیسا را ترک نکنند، حتی اگر این کار دشمنی با حقوق زنان تلقی گردد. او گفت «این مذهب متشکل را رها نکنید و آن را در دست دشمنانش واگذارید». وی افزود:

«عیسی مسیح، به امید وام از جامعه اروپا دست روی دست گذاشت.»

اما به هر حال قدرتمندترین چهره اجلاس خانم ایزوگ ۷۲ ساله بود که به سختی راه می‌رفت، هنوز کلاهی جلف بر سر داشت، هنوز محکم سخن می‌راند و هنوز استادانه و راسخ به دشمن حمله می‌برد. زنان ایرلندی، مؤذبانه منظر ایستاده بودند تا دست او را بفشارند، لحظه‌ای با او گپ بزنند و با وی عکس بگیرند. او آنقدر لغت ایرلندی حفظ کرده بود که بگوید: «خواهران من، درود زنان جهان بر شما باد!»

خانم ایزوگ با یک دست میز سخنرانی را گرفته بود و دست دیگرش را در هوا تکان می‌داد. وی یکبار دیگر زنان را به کسب قدرت فرا خواند و گفت: «ما کمتر از ۱۵ درصد کرسیها را در مجالس مقننه جهان دارا هستیم.» او در جواب این که حکومت انحصاری مردان بر جهان چه اشکالی دارد، گفت: «آنان به ما اجازه ورود به آن را ندادند، پس ما حرفی برای گفتن نداشتیم. بعضی از دانشمندان می‌گویند دنیا در حال انهدام است، پس فرصت کوتاه است.»

## نمایشگاه بین‌المللی

«آثار نویسندگان زن»

در آمستردام برگزار می‌شود

آثار شاعران و نویسندگان زن در نمایشگاه بین‌المللی «آثار نویسندگان زن» در آمستردام به معرض نمایش گذاشته می‌شود.

ادبیات زنان از زمان «مری آن ایوانس»، داستان نویسی دوره ویکتوریا، که مجبور بود هویت اصلی خویش را پشت یک نام مستعار مذکر - جرج الیوت - پنهان سازد، تا



کنون راه درازی پیموده است. نوشته‌های زنان نویسنده یا کتابهای مربوط به زنان، این روزها از داغترین مقوله‌های مطبوعاتی به شمار می‌آید. حدود ۲۰۰ نویسنده برای تبادل افکار و ملاقات با ناشران و تبلیغ آثارشان در نمایشگاه آمستردام گردهم می‌آیند. با اینکه مقام زنان نویسنده در حال اعتلاست، نویسندگان و ناشران می‌گویند که زنها هنوز در مقایسه با مردان، برای چاپ آثارشان و مطرح شدن در محافل ادبی با موانع بیشتری روبه‌رو هستند. «ملانی سیلگاردو» ویراستار و «ویراگوپرس بریتانیا»، که مدت ۲۰ سال است آثار نویسندگان زن را منتشر می‌کند، می‌گوید: «نوشته‌های جالب بسیاری از زنان به ما می‌رسد، ولی هنوز آثار زنان، کمتر از آثار مردان چاپ می‌شود. ولی به هر حال ادبیات زنان جای خود را در سبیل عظیم مطبوعات جهانی یافته است. هدای جایزه نوبل ادبی سال گذشته به «نیدین گوردیمر»، نویسنده آفریقای جنوبی - که در ۲۵ سال گذشته برای اولین بار به یک زن تعلق گرفت - اعتبار ویژه‌ای به زنان نویسنده بخشید.

«لیندسی دو گوید»، ویراستار قصه در «تایمز لیترری سایپمنت» لندن می‌گوید: «ناشران، نمایندگان کتاب و منتقدین می‌گویند زنان نویسنده بیشتری به ما معرفی کنید.» بسیاری از این استعدادهای جدید در کشورهای در حال توسعه‌ای که تلاش زنان برای کسب حقوق انسانی خود چندان متداول نبوده است، شکوفا می‌شود. نویسندگان گوناگونی از کشورهایی چون برزیل، کنیا، هند، مجارستان و مصر، به خواندن و برگزاری جلسات بحث و بررسی پیرامون موضوعات مختلف از قبیل آثار نویسندگان کشورهای

اسلامی تا داستانهای جنایی و شعر می‌پردازند. صرف نظر از اینکه نمایشگاه ویژه آثار زنان است، در کنفرانس هیچ‌گونه محدودیت ایدئولوژیک وجود ندارد و تمامی نقطه نظرات مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد. «گردا میجرینک»، یکی از برگزارکنندگان نمایشگاه، گفت: «ارائه تعریفی مشخص برای ادبیات زنان غیر ممکن است، در حقیقت ادبیات زنان انواع آثار زنان را در می‌گیرد.» «تستیسی دانگاریگانا» داستان نویس زیمبابوه‌ای نیز افزود: «عامل تعیین کننده، تأکید بر مسائل مربوط به زنان است.»

### تأثیر نوای نی در تسکین درد زنان

گوش کردن به نوای نی در مدت زمان وضع حمل، درد زایمان را در زنان کاهش می‌دهد. اخیراً «رضا بدیر»، نی‌نواز مشهور مصری در «فصاحیه‌ای با مجله «فن»، چاپ سوریه در توضیح این خبر، گفته است: «این دریافت شخصی من نبود. کار اصلی به عهده دکتر جلال بطوطی بود که پس از تجربه‌های متعدد در اجرای آلات مختلف موسیقی، نی را انتخاب کرد. در حقیقت وی تجربه خود را با توجه به دو واقعیت به دست آورد: عدم تأثیر داروهای مختلف در تخفیف دردهای زایمان و درمان بعضی بیماریها به وسیله موسیقی، توسط دانشمندی بزرگ، «ابونصر فارابی». رضا بدیر، افزوده است: «دکتر بطوطی پس از تحقیقات و تجربیات متعدد بر روی حالات مختلف، کشف کرد که تأثیر آوای نی از اثر هر نوع موسیقی دیگر بیشتر است و اگر زن در مدت وضع حمل، به صدای نی گوش کند و

البته در طول دوران بارداری، به ویژه ماههای آخر با آن آشنا شود - این نوا می‌تواند به میزان قابل توجهی در کاهش دردهای زایمان او مؤثر واقع شود. این تجربه همچنین نشان داد که بعضی از مقامات موسیقی، مانند: سیگا، بیانی، حجاز و صبا بیش از سایر مقامات در این زمینه مؤثر است.» این اولین تجربه در مصر و جهان عرب است که در آن، موسیقی به خدمت پزشکی در رشته زنان و زایمان درآمده است.

### ۱۰۰ میلیون انسان مؤنث از دست رفته‌اند

آمار دقیق گواهی می‌دهند که زنان همچنان در شرایط نابرابر به سر می‌برند. حداقل ۶۰ میلیون زن در آسیا مفقودالاندر و یا مشکوک به فوت هستند، کسانی که تنها قربانی جنسیت خود هستند. تحقیقات بین‌المللی نشان می‌دهد تعداد زنان از دست‌رفته در سطح جهان، از مرز ۱۰۰ میلیون نفر تجاوز می‌کند.

### بالاترین رقم تبعیض جنسی متعلق به آسیاست

بیرتری سنتی پسرها نسبت به دخترها، به سرعت در کشورهایمانند چین، هند و بسیاری کشورهای دیگر آسیایی به ناپدیدانگاری و مرگ دخترها می‌انجامد. اگرچه تبعیض جنسی ریشه در اندیشه‌ها و نگرشهای کهنه سنتی دارد، امروزه هم همچنان در آسیا رو به افزایش است. بر طبق گزارشهای رسمی دولتی که اخیراً در چین و هند اعلام شده است، ظرف دهه اخیر، نسبت میان تعداد زنان و مردان بیش از پیش دچار عدم توازن شده است.

دهها میلیون انسان تلف شده، شامل نسوان در کلیه سنین است که یا به دلیل دختربودن هنگام تولد کشته می‌شوند، یا به دلیل دریافت خوراکی کمتر از مردان تلف می‌شوند و یا مرگ آنها به علت دیدگاههای افراد خانواده است، که اگر دختر مبتلا به اسهال شود، ترجیح می‌دهند از شرش خلاص شوند، ولی اگر پسر اسهال بگیرد، او را بیماری می‌دانند که نیاز به درمان دارد.

طبق آخرین سرشماری در سال ۱۹۹۱، در هند، در مقابل هر ۱۰۰ مرد ۹۲/۹ زن وجود دارد، که نسبت به ۹۳/۴ زن در سال ۱۹۸۱ و ۹۳ زن در سال ۱۹۷۱، کاهش نشان می‌دهد. در چین طبق سرشماری سال ۱۹۹۰، در برابر هر ۱۰۰ مرد ۹۳/۸ زن وجود دارد که آن نیز به نسبت سال ۱۹۸۱ - ۹۲/۹ زن در مقابل هر ۱۰۰ مرد - سیر نزولی داشته است. طبق یک محاسبه محافظه‌کارانه، ۳۰ میلیون زن در چین مفقودالاندر شده‌اند، که این رقم پنج درصد کل جمعیت این کشور و بالاترین رقم میان سایر کشورهای جهان، محسوب می‌شود. طبق گزارش سازمان ملل در تابستان سال ۱۹۹۱، سایر کشورهایی که دچار عدم توازن نسبت میان دو جنس هستند، عبارتند از: افغانستان با ۹۲/۵ زن در برابر ۱۰۰ مرد، بنگلادش با ۹۲/۹ زن، بوتان با ۹۳/۳ زن، نپال با ۹۴/۸ زن، پاکستان با ۹۲/۹ زن، گینه نو با ۹۲/۸ زن و ترکیه با ۹۴/۸ زن.

### تحقیقات در مورد از دست رفتن زنان ناچیز است

در زمینه معضل مفقودشدن زنان، مشخصاً تحقیقات بسیار اندکی انجام شده است و غیبت آنها فقط

همانند سببهای در آمار مرگومیر این کشورها منعکس می‌شود. بر اساس آمارهای موجود، بیش از ۱۰۰ میلیون زن در سراسر جهان، از میان رفته‌اند و علت افزایش روزافزون این آمار آن است که در بعضی نقاط دختران از بهداشت و تغذیه‌ای که به پسران ارائه می‌شود، برخوردار نیستند و لذا آمار مرگومیر ایشان همچنان سیر صعودی دارد.

### سنت دخترکشی

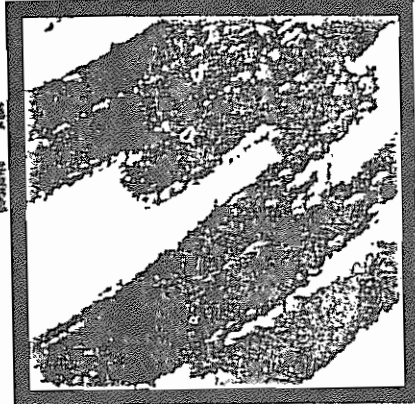
انگلیسها در سال ۱۸۷۰ در هند و کمونیتهای چین، در سال ۱۹۴۹ کشتن نوزادان دختر را غیرقانونی اعلام کردند. با این حال، دخترکشی در روستاهای چین، ریشه دیرینه دارد. یکی از دلایل این امر آن است که نوزادان پیش از یک سال و پیش از آنکه دندان در بیاورند، انسان کامل محسوب نمی‌شوند. هر ساله در چین ۶۰۰ هزار نوزاد دختر کمتر از ارقام واقعی به مقامات دولتی گزارش می‌شود و این تفاوت از مجاسبه تعداد نوزادان پسر و مقایسه نسبت آنها با نوزادان دختر، آشکار می‌شود. تعداد بیشتری نیز با سقط جنین می‌شوند و با بدون گزارش به مقامات رسمی، مخفیانه توسط والدین یا خویشان پرورش می‌یابند. در هند، در بعضی از شهرها با استفاده از دستگاهی، جنسیت نوزاد را تشخیص می‌دهند و در صورت دختر بودن، پیش از تولد او را نابود می‌کنند. قانون پزشکی چین، پزشکان را از اطلاع دادن جنسیت نوزاد به والدین، منع می‌کند، اما این منع قانونی تنها باعث به وجود آمدن هزینه‌ای برای خرید این اطلاعات شده است. حتی گزارشات دولتی نیز صحت این ادعا را اثبات می‌کند.

تحقیقات در زمینه عدم توازن میان نسبت دو جنس با این عامل آغاز می‌شود. تعداد نوزادان پسر پنج یا شش درصد بیشتر از نوزادان دختر است، اما در شرایط طبیعی مرگومیر جنس مذکر در هر سنی بیش از جنس مؤنث است. مشخصاً در غرب، که تولد نوزاد دختر مشکل‌آفرین نیست، درصد بیشتری از نوزادان پسر هستند. در سنین ۲۰ تا ۳۰ سالگی، تعداد آنها مساوی می‌شود و در سنین پیری تعداد زنان بیشتر می‌شود. در کشورهای پیشرفته در برابر هر ۱۰۰ مرد ۱۰۵ زن وجود دارد.

عدم توازن میان دو جنس تنها در آمارهای کلی مشخص می‌شود. در تحقیقاتی که اخیراً توسط یک سوئدی به نام ایشتن بوهانیسون انجام شده است، معلوم شد در کشورهایی که تبعیض جنسی حاکم نیست، در مقابل هر ۱۰۰ نوزاد دختر، ۱۳۰ نوزاد پسر تلف می‌شود. در چین، احتمالاً به دلیل ارجحیت نوزاد پسر، در مقابل هر ۱۰۰ نوزاد پسر، ۱۱۲ نوزاد دختر تلف می‌شود. بر طبق محاسباتی که در همین تحقیقات انجام شده است، هر ساله ۴۴ هزار نوزاد دختر زهر یک سال، به دلیل مراقبتهای نادرست نسبت به نوزادان پسر، از دست می‌روند.

### برگزاری نمایشگاه نقاشی در پارک جمشیدیه

روز سوم شهریور ماه امسال، به همت شهرداری تهران، نگارستان پارک جمشیدیه با آثاری از هنرمندان نقاش کار خود را آغاز کرد. برای این نمایشگاه در هوای خنک کوهستان - که ابتکاری بسیار جالب و مردمی بود - به طور بی‌سابقه‌ای



### نگارستان پارک جمشیدیه

فرهنگی خود برآمده است که از اولین نتایج آن تصمیم برپایی همین نمایشگاه بوده است.

روز افتتاح نمایشگاه اطلاع دادند که اولین دوره کلاسهای فنی هنرهای تجسمی، پایه و اصول طراحی، نقاشی رنگ روغن و آبرنگ، نقاشی کودکان و عکاسی از تاریخ ۱۰ شهریور در فضای زیبای پارک جمشیدیه آغاز به کار می‌کند.

نظر علاقمندان و هنروان و به ویژه مردم را که برای تفنن، به پارک جمشیدیه آمده بودند، جلب کرده بود. در این نمایشگاه آثار هنرمندان نوپای نقاشی در کنار کار اساتید این رشته دیده می‌شد و همین برخورد بدون خط بندیهای رایج، از خلوص و صداقت دست‌اندرکاران برپایی نمایشگاه حکایت داشت. بنابر اظهار حسین خسروچردی، مدیر گالری، شهرداری تهران اخیراً درصدد ارتقا بخشیدن به بخش

# چگونه اصول را بیابیم؟

مهندس فرشته بهار

ارتفاعی برابر با قامت یک انسان به علاوه بلندی دست و - ارتفاع حداکثر یک صندلی معمولی قرار گیرد. در این صورت، نور به طور یکنواخت به همه جای اتاق پخش می‌شود، چراغ به سر برخورد نمی‌کند، در دسترس کودکان قرار نمی‌گیرد و برای دسترسی به آن هنگام تعمیر یا نظافت نیاز به وسایلی مثل نردبان نداریم. در این صورت اصلی رعایت شده است که می‌توان آن را «ابعاد انسانی» نامید.

در کنار ابعاد انسانی، اصل «حرکات و عملکردهای انسانی» نیز مطرح است. به عنوان مثال، لبه تیز میز بر سر راهی که همیشه از آنجا عبور می‌کنیم، در لحظه معینی حادثه‌آفرین خواهد شد. پس این حرکات و عملکردها حکم می‌کنند که لبه چنین میزی باید پخ و یا گرد باشد. رعایت چنین امری، رعایت اصل «حرکات و عملکردهای انسانی» است. این اصل بیان می‌کند که اشیاء و فضاها باید متناسب با نیازهای ما باشند. در غیر این صورت مثلاً به چه دلیل ابعاد و فرم یک زمین فوتبال، با ابعاد و فرم یک اتاق پذیرایی تفاوت دارد؟

اصل دیگر «ترتیب حرکات و عملکردهای انسانی» است. مثلاً هیچ‌گاه از خود پرسیده‌اید اولین شیئی که باید هنگام ورود به اتاق پذیرایی در دسترس باشد چیست؟ دومی؟ و سومی؟ و به طور کلی

شناسایی است. به دیگر سخن، این طبیعت انسانی است که نحوه ارتباط میان او و هر چیز دیگر را بنا می‌کند و طبیعت انسانی همان حرکات و عملکردهای او، به تناسب نیازهایش است که در چهارچوب مقدرات و محدودیتهای انسانی شکل می‌گیرد. آیا نیازهای واقعی انسان انگیزه واقعی خواسته‌های واقعی او نیست؟ و آیا بدین ترتیب نیازهای ما، محدودیتهای و مقدرات ما، حرکات و عملکردهای ما، احساسات و ادراکات ما، و نحوه ارتباط ما با یک چراغ - و هر چیز دیگر، حتی خودمان - تعیین‌کننده آن «کجا؟» نیستند که قرار است در جایی - مثلاً در اتاق پذیرایی ما - یافت شود؟

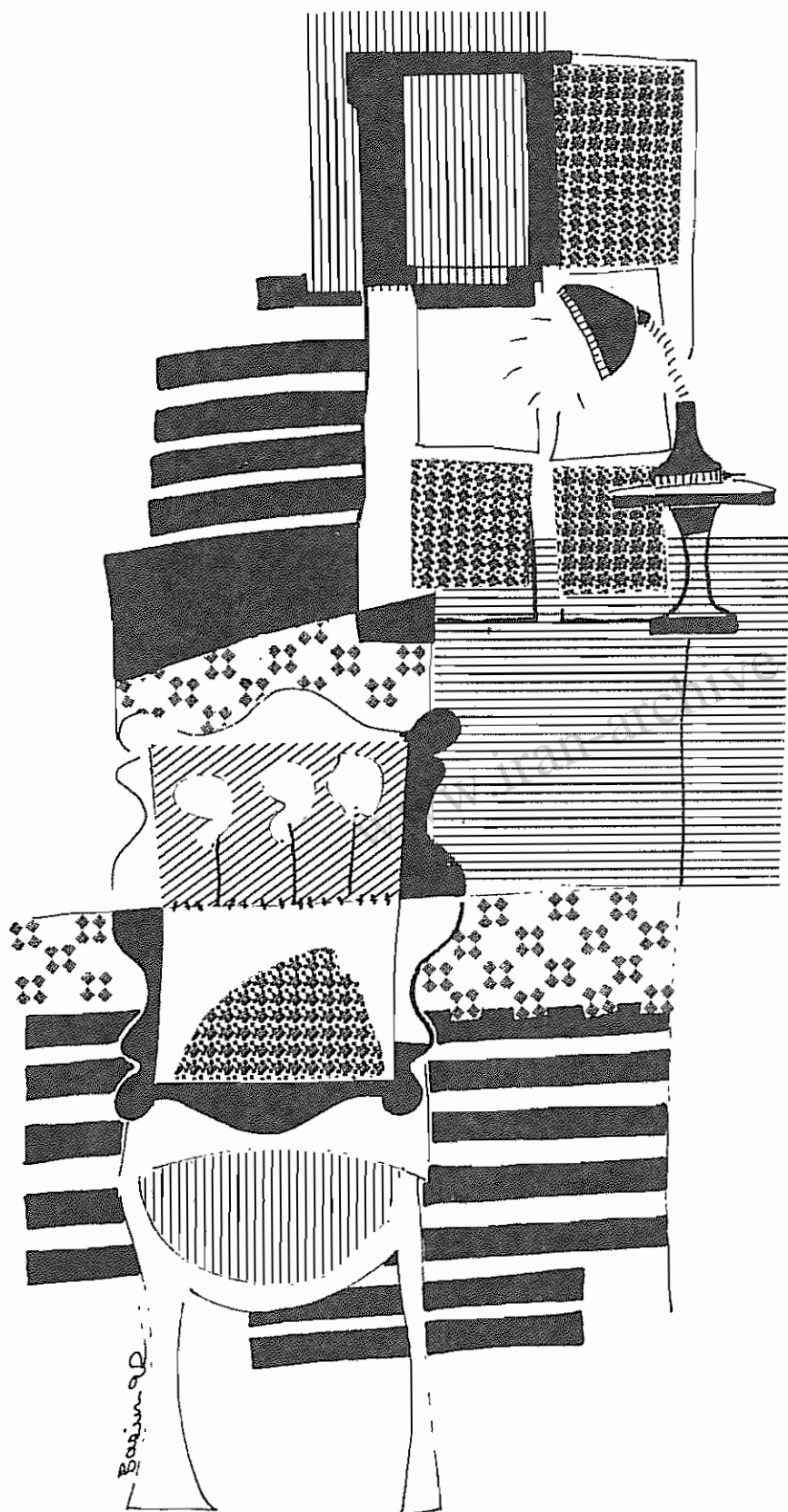
بله، «مقیاس انسانی» وسیله واقعی سنجش آن «کجا»یی است که همواره در پی یافتش هستیم، زیرا نه تنها سوال‌کننده، بلکه جواب دهنده نیز ما هستیم، حتی می‌توان گفت: سوال، «ما» و جواب نیز «ما» هستیم. این ما هستیم که راه می‌رویم، این ما هستیم که از دری داخل می‌شویم، این ما هستیم که از پله‌ای بالا می‌رویم، این ما هستیم که بر روی صندلی می‌نشینیم و این ما هستیم که چراغی را در اتاقی نصب می‌کنیم. پس وسیله سنجش نیز خود «ما» هستیم، به عنوان مثال، اگر نیاز ما به نور در اتاق پذیرایی، نوری است که از یک کانون به همه سو پراکنده شود، پس چراغ باید در مرکز سقف و در

آیا تا به حال شده است که بخواهید چراغی را در اتاق پذیرایی‌تان نصب کنید؟ آن را کجای اتاق نصب کرده‌اید؟ این «کجا» را از کجا به دست آورده‌اید؟ مقیاس سنجش شما برای یافتن این کجا چه بوده است؟ راستی در این گونه موارد چه چیزهایی را در نظر می‌گیرید؟ همه نور چراغ در جایی متمرکز باشد و یا منتشر شود؟ این مقدار نور از یک نقطه منتشر شود و یا از نقاطی متعدد؟ آیا این چراغ باید هر هفته تمیز شود یا هر روز یا فقط سالی یک بار؟ آیا احتیاج به تغییر نیز پیدا خواهد کرد؟ اگر در دسترس کودکان باشد، خطرناک نیست؟ اگر خیلی پایین باشد، با سر برخورد نمی‌کند؟ اگر خیلی بالا باشد، برای نظافت یا تعمیر از دسترس خارج نمی‌شود؟ و...

مشاهده می‌کنید که سوال «کجا؟» خود در بردارنده سوالهای دیگری است. جواب این سوالها را چگونه باید به دست آورد؟ از آنجایی که انسان، آمیزه‌ای است از هر آنچه که به عنوان عناصر وجود برمی‌شماریم (مانند انرژی، بُعد، فضا، وزن، رنگ، نور، فرم، معنا، احساس، ادراک، حیات، زمان و...) و همواره در ارتباطی بی‌وقفه با اجزای تشکیل دهنده خود به سر می‌برد، تنها از طریق همین ارتباطات - قابل

هیچ‌گاه از خود پرسیده‌اید اولین وسیله‌ای که باید هنگام ورود به اتاق پذیرایی در دسترس باشد، چیست؟ و دومی؟ و سومی؟

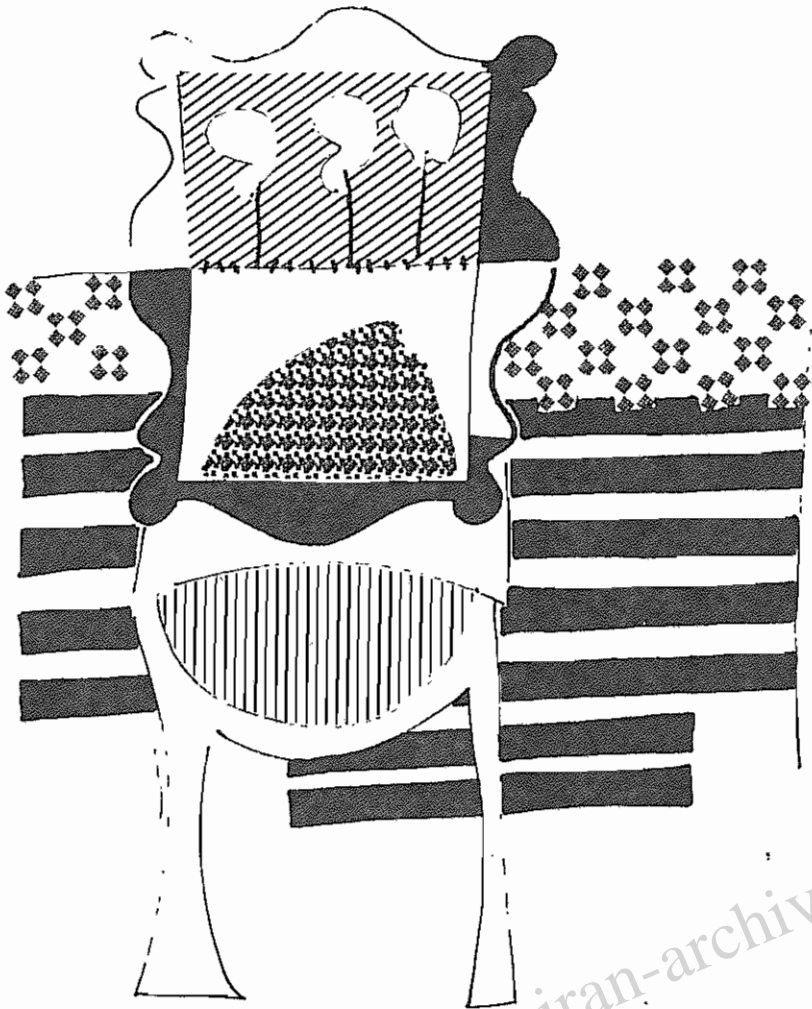




ترتیب استقرار اشیا در فضا باید چگونه باشد؟ چنین اصلی را در طراحی زنجیره‌های تولید به خوبی می‌توان ملاحظه کرد، زیرا زنجیره استقرار وسایل در چنین فضایی، براساس ترتیبی است که زنجیره عملکردهای انسانی حکم می‌کند.

اصل دیگر «جهت انسانی» است. انسان، خود دارای جهت گوناگونی است. به این ترتیب که مثلاً یک میز مطالعه در یک فضا باید در چه جهتی استقرار یابد؟ این جهت را چگونگی استقرار اندام ما در موضع‌گیری نسبت به نور، افق، فضا، رنگ، ادراکات و احساسات ما تعیین می‌کند. بدین ترتیب مشاهده می‌کنید که جای یک چراغ می‌تواند برای ما سؤال مهمی باشد. سؤالی که دیدگان ما را در برابر واقعیت، بیشتر می‌گشاید، به شرطی که نیازهایمان، حرکات و عملکردهایمان را به گونه‌ای واقعی ارزیابی کنیم. این ارزیابی، نیازمند نه فقط شناخت خود، بلکه شناخت عناصر بیرونی نیز هست. مثلاً عناصر زیر را در نظر بگیرید.

نور: نور هسته‌ای از امواج الکترو مغناطیسی است که طول موجهای متفاوتی دارد و حس بینایی ما با دریافت آن «دیدن» را که نیازی حیاتی است، امکان‌پذیر می‌کند. اما از سویی دیگر، طبیعت حس بینایی و دستگاه باصره ما، به ترتیبی است که در طول



فضاهای بسته، انسان را کسل می‌کند، فضای بسیار باز، احساس بی‌پناهی و خطر ایجاد می‌کند و پنجره، دریچه‌ای به تعادل میان فضای بسته است.

خالی مانده است. فضای خالی زیر میز، فضای درون یک کمد، یک قابلمه و حتی یک قاشق، فضای خالی میان ما و کسی که با او در حال گفتگو هستیم، و... بلکه فضای خالی، واقعاً خالی نیست بلکه تناسبی معین میان فضاهای غیرخالی ایجاد می‌کند. فضای خالی «هیچ» نیست و از همان اهمیت سکوت میان دو نت و یا فاصله میان دو کلمه و یا دو اندیشه برخوردار است. بدین ترتیب، مشاهده می‌کنید که می‌توان با سؤالی ساده به ادراکی عمیق نایل شد و بر آن مبنا دست به انتخاب زد: باید ذهن را از تمامی تحمیلات و کششهای سلیقه‌ورزانه اشرافی آزاد ساخت تا بتوان فضایی برای آگاهی و اراده باز کرد و اصول را دریافت. در غیر این صورت انتخابی در کار نخواهد بود.

باید دانست که ما در نهایت یک حق انتخاب بیشتر نداریم: یا انتخاب کننده‌ای آگاه و آزاد باشیم و یا اصولاً انتخاب کننده نباشیم.

به دوران دارند و سرگیجه‌آورند. از طرفی، طبیعت انسانی به گونه‌ایست که در فضاهایی با خطوط عمودی و افقی، احساس خشکی و کسالت می‌کند و در فضاهایی با خطوط صرفاً مورب، و یا صرفاً منحنی، احساس عدم اطمینان؛ در خالی که در فضاهایی مرکب از هر سه نوع این خطوط، احساسی نسبتاً طبیعی و مطلوب دارد.

فضا: عامل «فضا» در این میان از همه عجیبتر است. مثلاً فضاهای بسته، انسان را کسل می‌کند و فضاهای بسیار باز، احساس بی‌پناهی و خطر به وجود می‌آورد. پنجره در این میان نقش دریچه‌ای به سمت تعادل میان فضای باز و فضای بسته را بازی می‌کند. و در مرحله بعد تابلو و یا آینه. و اما، فضای خالی! بله، فضای خالی خود بخشی از فضاست. تمامی فضاهای ارتباطی میان انسان و انسان، انسان و اشیا، فضا و فضا، و انسان و فضا را فضاهای خالی شکل می‌دهند. مثلاً راهرو فضای خالی میان چند فضای دیگر است و یا فضای خالی یک مبل، فضایی است که برای نشستن کسی

شب نیاز به نور زیاد ندارد و عدم درک این امر، دستگاه باصره ما را در معرض آسیب قرار می‌دهد.

رنگ: رنگ، بازشناسی طول موجهای قابل دریافت توسط قوه باصره است و این توانایی - تشخیص رنگهای مختلف - قدرت و ظرافت را برای دیدن به ارمغان می‌آورد. اما از سوی دیگر طبیعت این حس به نحوی است که اگر مورد هجوم بی‌وقفه رنگهای تند و متضاد قرار گیرد به سرعت خسته و فرسوده می‌شود و برعکس، رنگهای ملایم و به اصطلاح «هارمونیک» تأثیری آرامبخش بر آن می‌گذارند.

خط: خطوط عمودی، گرایش طبیعی اشیا به سمت مرکز جاذبه زمین هستند. خطوط افقی، حرکت متعادل اشیا برحسب فاصله ثابت از مرکز جاذبه زمین هستند که اثری اطمینانبخش بر انسان می‌گذارند. و بالعکس، خطوط مورب، چون وضعیتی ناپایدار میان خطوط عمودی و افقی هستند، حرکت و هیجان را القا می‌کنند. خطوط منحنی وضعی دیگر دارند. آنها تمایل



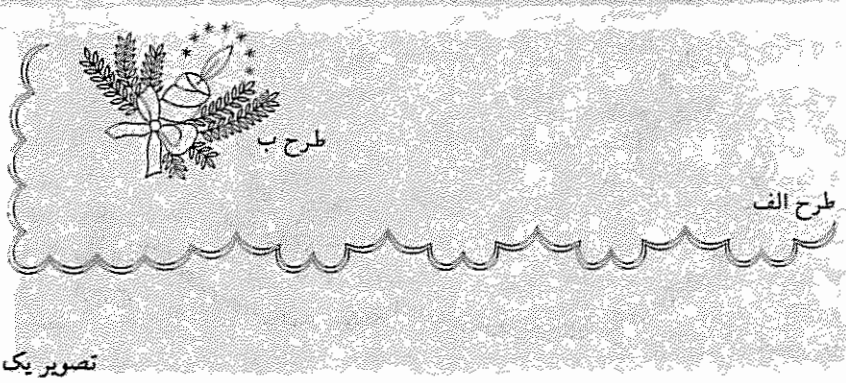
# سفره زیبا بر زین کفچه



سفره زیبا نمرة تلاش شما را برای گرم کردن جمع خانوادگی و پذیرایی از دوستان جلوه بیشتری میبخشد. گذشته از این، سلیقه و مهارت دست شما می تواند در کنار خوراکیهای خوش منظر و خوش مزه مجموعه دلپذیری از نگرش لطیف شما را به زندگی خانوادگی پیش روی عزیزانتان به نمایش بگذارد.

پس دست بکار دوختن این رومیزی زیبا شوید:

## جدول رنگ:



تصویر یک

- ۱ - سفید
- ۲ - طلایی
- ۳ - زرد لیمویی
- ۴ - قرمز آتشین
- ۵ - سبز خزه ای

فاصله  $2/5$  سانتیمتری لبه پارچه، رسم کنید. حال پارچه را از مرکز آن به چهار قسمت تا کنید. با استفاده از طرح «الف» نقشه حاشیه دوزی و طرح «ب»، نقشه شمع را بر روی آن انتقال دهید. حال با استفاده از جدول رنگ و با کمک تصویر یک، دور آن را حاشیه دوزی و نقش شمع را گلدوزی کنید. پس از اتمام کار، اضافه کاری پارچه را از دور آن قیچی کنید و پارچه را اتو بزنید.

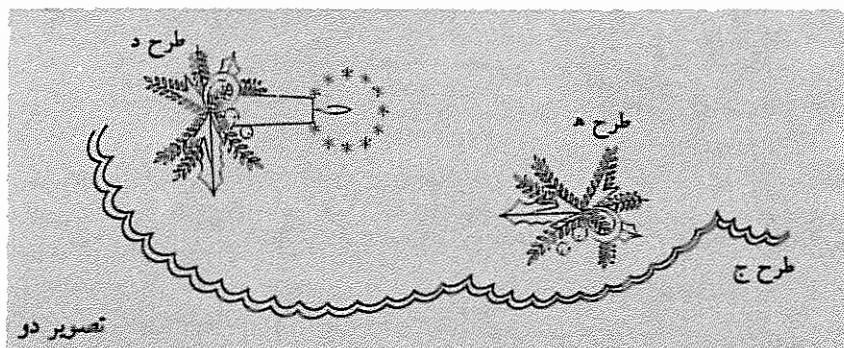
لوازم مورد نیاز: پارچه کتان سفید از نوع مرغوب به ابعاد  $25 \times 25$  سانتیمتر - نخ گلدوزی دمسه (C) (D. M.) به رنگهای ذکر شده در جدول رنگ - قلم مخصوص کپی - کاغذ روغنی یا پوستی (یک برگ) - قیچی.

طرز تهیه:

مربعی به ابعاد  $22/5 \times 22/5$  سانتیمتر در

جدول رنگ:

- ۱ - سفید
- ۲ - صورتی روشن
- ۳ - بنفش روشن
- ۴ - قرمز
- ۵ - طلایی
- ۶ - سبز خزه‌ای



لوازم مورد نیاز:  
 نخ گلدوزی دمسه (D. M. C) به رنگهای ذکر شده در جدول رنگ - پارچه کتان سفید رنگ از نوع مرغوب به ابعاد ۳۰×۵۵ سانتیمتر - خط کش - کاغذ روغنی یا پوستی (یک برگ) - قلم مخصوص کپی - قیچی.  
 طرز تهیه:  
 پارچه خود را از مرکز به چهار قسمت تقسیم و تا کنید. حال، با استفاده از طرح «ج»، نقشه حاشیه‌دوزی را به فاصله ۱/۳ سانتیمتر از لبه پارچه روی آن کپی کنید.  
 نقشه‌های روی رومیزی را با استفاده از طرح «د» و طرح «هـ» تهیه کنید و جداگانه به روی پارچه انتقال دهید. سپس با کمک تصویر دو، اطراف پارچه را حاشیه‌دوزی و طرحهای شمع روی آن را نیز گلدوزی کنید. پس از اتمام کار قسمتهای اضافی پارچه را قیچی و آن را اتو کنید.

تصویر دو